

کانون وکلا

شماره ۱۰۶

مهر ، آبان ، آذر ۱۳۴۶

سال نوزدهم

اقدامات ضروری و فوری

بموازات طلوع فصل نوین تاریخ ایران یعنی از همان زمان که منشور انقلاب سفید بابتکار شاهنشاه آریا مهر در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ اعلام گردید و زیر بنای جامعه ما با اصول نوین و مترقی استوار شد و تحرك و تحول در کلیه شئون اقتصادی ، مالی ، فرهنگی ، اجتماعی ، قضائی ، اداری نمودار گردید جامعه و کالت ایران همگام با تغییرات و تحولات شگرف و بیسابقه تجدید حیات ملی و رستاخیز بزرگ اجتماعی به کوششها و تلاشهای پیگیر پرداخت و با اقدامات و فعالیت های مداوم و مستمر در راه پیشرفت آرمانهای ملی در قلمرو حقوق و قانونگزاری و قضا و کالت از یکطرف و در زمینه سایر امور و مسائل مملکتی از طرف دیگر همکاری و همراهی بیدریغ و صمیمانه آغاز کرد .

همبستگی و کلای داد گستری با کلیه صفوف و طبقات اجتماعی در راه تحقق بخشیدن و هر چه بیشتر به ثمر رسانیدن مبانی و اصول انقلاب شاه و مردم و همکاری و همگامی آنان در سازندگی ایران نوین نمودار بوده و خواست و هدف همه همکاران حصول توفیقات بیشتر در زمینه افکار و اقدامات مترقیانه و اصلاح طلبانه است .

آنچه در حیطه فعالیت ها و کوشش های فردی همکاران از جهت شرکت و فعالیت در امور و مسائل جاری است بایک توجه دقیق به بصیرت و درایت آنان در امور مرجوعه در سازمانهای ملی و دولتی آثار و نتایج آن پیدا بوده و کلای داد گستری که بمقتضای شخصیت و موقعیت ملی و اجتماعی و رسمی خود در امور غیر از وکالت داد گستری از قبیل امور مطبوعاتی ، فرهنگی ، تقنینی ، بلدی ، اقتصادی و نظائر اینها مباشرت دارند بلحاظ تسلط در قوانین و مقررات ، آشنائی به اصول و مبانی حقوقی ، ورزیدگی فکری ، روشن بینی منطقی و اجتماعی ، جهان بینی مترقیانه ، احساس شریف دفاع از حق و عدالت ، ایمان و اعتقاد به مقام انسانی ، ایثار و فداکاری در بذل نیروهای مادی و روحی ، صدق و صفا در انجام تکالیف قانونی آنچنان شایستگی نشان میدهند و آنچنان دلسوزانه و صادقانه بکار می پردازند که کمتر کسی میتواند در اصالت افکار و حقانیت اعمال و اثر ارزنده خدمات آنان تردید بخود راه دهد .

و کلای داد گستری ، در حیطه شغل خطیر و شریف وکالت ، قطع نظر از امور و دعاوی ارجاعی از طرف مردم و شاکیان که بایک سلسله دشواریها و موانع ناشی از بوروکراسی و تشریفات وضع مبانی علمی و اخلاقی و احیاناً اجحافات و تعدیات مواجه و در مقام اجرای قانون و تأمین مبانی عالیة عدالت و احقاق حق معروض و متحمل فشارهای توانفرسا میباشند ، از جهت شرکت مؤثر در تعمیم عدالت قضائی و

انجام وظائف محوله در امور معاضدتی و وکالت‌های تسخیری متنوع و تکالیف اخلاقی مربوط به‌شان حرفه‌وکالت تنها طبقه‌ای هستند که نیروی جسمی و روحی و تجارب عملی و اطلاعات علمی و وقت گران‌بهای خود را به رایگان در اختیار اجتماع قرار داده‌اند .

هیچ‌فردی از افراد ایرانی و هیچ طبقه‌ای از طبقات اجتماعی مانمی‌تواند دعوی آن داشته باشد که بطور موظف کارمجبانی انجام داده و بدون در نظر گرفتن عواید مادی و معنوی آنی یا آتی گره از کار فرد یا جمعی باز نماید . اما وکلای دادگستری مطابق مقررات فعلی باید امور مدنی محوله از طرف کانون و کلا را که اشخاص بی‌بضاعت تقاضا میکنند مجاناً انجام دهند و ای‌پسا متحمل هزینه‌های ضروری هم باشند، همچنین مکلفند امور تسخیری کیفری را که از طرف دادگاه‌های جنائی و جنحه‌ای و دیوان کیفر ارجاع میشود مجاناً و بلا عوض انجام دهند ، یک سلسله ارجاعات دوستان و آشنایان را از جنبه اخلاقی و رعایت شئون وکالتی قبول کنند، بحکم قانون شورای داوری در انجام امور آن مجاناً شرکت نمایند ، بدستور قانون حمایت خانواده ارجاعات دادگاه را برایگان پذیرند . و . و . بالاخره نهم وقت و نیروی خود را در کار مجانی صرف کنند .

اینست منظره و نمودار کوچکی از خدمات بی اجرومزد و بیگاری‌های وکلای دادگستری .

اگر بخواهیم در هر يك ازین موارد و اشکالاتی که وکلا مواجه هستند عنان قلم را رها کنیم حقیقتاً از حوصله صفحات محدود مجله خارج است . همکاران ما در مرکز و شهرستانها همه‌روزه از سنگینی بار و فشار امور معاضدتی و تسخیری گله و شکایت دارند ، یکی مینویسد که اگر حال بر این منوال باشد ناچار است شغل وکالت را ترك کند ، دیگری شماره پرونده‌های وکالت‌های تسخیری را که بالغ بر

نبرد و شش فقره در ششماه بوده میفرستد و بناله و تظلم میپردازد ، سومی بر اثر دوسره شدن اوقات دادگاههای کیفری دیگر نمیتواند عصرها در دفتر خود حاضر شود ، چهارمی ازمتلاشی شدن زندگی خود و خانواده خود بستوه آمده ، پنجمی ازبیماری و ناتوانی اعصاب خود در زیر بارگران وکالتهای تسخیری و معاضدتی شکوه دارد ، هکذا ششمی وهفتمی و الی آخر ...

آنهاییکه ازدور دستی بر آتش دارند از فشار کارهای مجانی وکالتی بی اطلاعند و اگر تحمل شنیدن داشته باشند لاجرم حرفی میشوند ولی اگر دقت نمایند خواهند دید که این فشار از حد تحمل انسانهای عادی خارج است و فقط ما و کلاء هستیم که در برابر همه تحمیلات سینه سپر کرده ایم و انجام و گسترش عدالت اجتماعی را به نقد جان معامله میکنیم و این همه مرگهای ناگهانی و نابهنگام و یابیماری ها و از کار افتادگی ها و امراض قلبی و عصبی و یابپیری زودرس نتیجه این تحمیلات و فشارهاست . اساساً کار وکالت سنگین و پرمسئولیت است : زیرا اصولاً بدوش کشیدن بار گران دفاع از مال و جان و شرف افراد در شرائط و اوضاع و احوال نامساعد فوق العاده پرمسئولیت ، هول انگیز و هراس آور است زیرا ناروائی ها ، نابسامانی ها ، تعدیات و اجحافتی که در این زمینه وجود دارد و در مقام مواجهه و مقابله با آنها ، چنان ضربات کشنده به اعصاب و دل و جان و کلای دادگستری وارد میشود و این ضربات چنان خرد کننده و شکننده است که در واقع قبول کار وکالتی خود را در ورطه هلاک و سراسیب خطر و نابودی انداختن است .

ساده ترین مسئله را در نظر میگیریم : وکیل دادگستری باید دو تاسه برابر دیگران کار کند . زیرا در وقت اداری یعنی صبحها و اینک حتی عصرها باید در دادگستری و سایر مراجع قانونی و رسمی کارتوأم با دوندگی انجام دهد . عصر ها در دفتر خود به درد دلها و شکایات و دعاوی و مدافعات ارباب رجوع گوش دهد ،

شبها به تنظیم لوایح و دادخواستها و دفاعیات پردازد .

به وضع يك كار معاضدتی پردازیم : شعبه معاضدت كانون يك پيرزن يا يك فرد عامی بی بضاعت را با يك نامه بدفتر كار و کیل میفرستد . اوجز شکوه و تظلم و درد دل و آه و ناله چیزی از وسایل دفاع یا شکایت در دسترس و کیل قرار نمیدهد ، از حیث مدرک و سند هم گاهی ممکن است مشتی اوراق بيمصرف یا اسنادی بر ضرر خود ارائه نماید ، در مورد هزینه هم فقط آه دارد که باناله سودا کند ، مطالب و مسائل متنوع و مختلفی را طرح میکند ، و کیل معاضدتی باید از کلافهای سردرگم با تلاشهای شبانه روزی سر نخ را بدست آورد ، دعوائی طرح کند و دردنبال آن ازین دفتر بآن دفتر و ازین دادگاه بآن دادگاه برود . آخر الامر هم معلوم نیست که از دست اندازها و لایرنت های مقررات توأم با اغراض که مانند هفتخوان بر سر راهش گسترده است موکلش را نجات دهد یا نه . تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل .

در تشریح يك كار تسخیری یعنی از روزی که اخطار دادگاه به وکیل ابلاغ میشود فقط کافی است که بگوئیم : مطالعه پرونده قطور و اکثراً ناقص و بغرنج ، آمادگی برای جلسه مقدماتی از حیث رفع نقائص و ایرادات ماهوی و اصولی ، حضور در دادگاه که اکثراً چندین روز و بلکه چندین ماه وقت و کیل تسخیری مصروف آن میشود ، اتلاف وقت روزانه در انتظار حضور متهم و تشکیل دادگاه همان طور که برهیچکس پوشیده نیست اوقات و کلارا چنان مستغرق میسازد که دیگر فرصت و مجالی برای کارهای دیگر نمی ماند .

افزایش کارهای تسخیری در سنوات اخیر ، خاصه پرونده های مربوط به جرائم مواد مخدره ، بآن حد رسیده است که طبق آمار دقیق از صد پرونده کیفری فقط ده درصد آن تعیینی بوده و نود درصد بقیه تسخیری است . و کلای دادگستری

مکلفند محاکمه این نود درصد پرونده های جنائی را برایگان انجام دهند .

باین ترتیب منادیان حق و عدالت و مدافعان قانون و پاسداران مبانی قضائی خود معروض چنان بی عدالتی و حق کشی هستند که نظیر آن را فقط در اعصار تاریک تاریخ و قرون وسطی بشکل «سخره» و «بیگاری» میتوان پیدا کرد .

از وجود و کلاهی داد گستری که افراد برگزیده و مبرز اجتماع هستند در دنیای متمدن امروزی در اکثر شئون و امور کشوری ، در امر قانون گذاری ، ایجاد نظام نوین حقوقی ، اصلاح سازمان های قضائی و اداری ، تنظیم قراردادها و پیمانها ، تسلیم در دانشگاهها و مراکز فرهنگی از انستیتوها و آکادمی ها ، تنظیم و ابتکار و اصلاح و تنقیح قوانین و آئین نامه ها ، استفاده از تجارب ممتد قضائی آنان در دیوان کشور و شورای دولتی ، مشاوره در امور مهم و اساسی مملکتی ، اداره محافل و مجامع بین المللی و بالاخره شرکت مؤثر در ارکان و عناصر مشکله حیات اجتماعی استفاده می کنند و باین ترتیب افکار و اندیشه های موزون و اصولی و تجارب ارزنده و مفید و خدمات برجسته و منطقی بکار می افتد و ثمرات آن عاید ملک و ملت و بشریت می شود .

در کشور ما هم که منشور دوازده گانه انقلاب سفید شاه و مردم اعلام شده است و و کلاهی داد گستری آماده همه گونه همکاری و همگامی هستند و خدمات ارزنده آنان خاصه در قلمرو حقوق و قضا و گسترش عدالت از لحاظ علمی و حرفه ای و تجهیز و تشیحید افکار و اندیشه ها در مسیر ترقیات و پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اعتلاء نام ایران و ایرانی در مجامع بین المللی مشهود همگان است آرزو و انتظار دارند که بارفع مشکلات و مسائل مبتلابه و انجام خواست های مشروع و قانونی ترتیباتی اتخاذ شود که بهتر و بیشتر از وضع کنونی منشاء آثار و خدمات ذیقیمت بشوند .

از جمله مسائلی که فعلا مورد نظر است امور زیر میباشد که فهرست وار بآنها اشاره میکنیم .

✦ اتخاذ ترتیب و اصول قانونی برای حل مشکل وکالت های تسخیری؛
در این مورد باید یادآوری کنیم که چندین سال است این موضوع طرح شده و وعده ها و نوید هایی شنیده ایم ولی متأسفانه هنوز حتی قدم اول در این مورد از طرف مسئولان امور برداشته نشده است .

در شماره گذشته طرح و پروژه قانونی و اقداماتی که از طرف کانون بعمل آمده است طی سرمقاله بتفصیل بیان شده است .

اینک از وزارت دادگستری و دولت که وظیفه تأمین عدالت قضائی را بر عهده دارد تقاضا میشود که طرح پیشنهادی یا هر لایحه قانونی دیگری را که مشکل وکالت های تسخیری را حل کند بشکل قانون در آورد .

✦ تصویب آئین نامه تعاون و بازنشستگی و کلاء : در شماره ۱۰۵ اساسنامه تعاون و بازنشستگی و کلاء که بتصویب هیئت مدیره کانون رسیده است چاپ شده و متن آن حسب دستور مندرج در ماده ۱۳ آئین نامه حق الوکاله و هزینه مسافرت و کلاء مصوب تیرماه ۱۳۴۱ که بین القوسین درج میشود (کانون و کلاء آئین نامه طرز به مصرف رساندن وجوه حاصله برای تعاون را تنظیم که پس از تصویب وزارت دادگستری بموقع اجرا گذارده خواهد شد) برای تصویب وزارت دادگستری فرستاده شده است که اینک انتظار دارد متن مزبور تصویب و اعاده شود تا با اجرای اساسنامه مزبور که تأسیس صندوق مستقل و انتخاب هیئت امناء را از طرف وکلای دادگستری پیش بینی کرده اقدامات لازم در این زمینه بعمل آید .

✦ الزامی بودن وکالت در دعاوی مدنی : این موضوع از سی سال پیش در محافل قضائی و وکالتی مطرح بوده که بالاخره در ۱۳۱۸ شمسی بموجب ماده ۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی تصویب گردید ولی بعضی که فعلا مجال بحث آن

نیست موقوف الاجراء ماند تا آنکه در سال ۱۳۴۴ قانونی به عنوان « مواد اضافی به آئین دادرسی مدنی » از تصویب مجلس سنا گذشت که ماده ۸ آن قاعده الزامی بودن وکالت را در دعاوی مدنی بطور نسبی و تحت شرایط معینی قبول کرده و ماده مزبور بشرح زیر است :

« در دادگاههای بخش و شهرستان متداعین میتوانند شخصاً یا
« بتوسط وکیل دادرسی کنند ولی در دادگاههای استان و دیوان کشور
« برای تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند . و کلاهی
« دادگستری در حدود پایه وکالت و مأمورین قضائی و استادان دانشکده
« حقوق میتوانند نسبت به دعاوی راجع بخودشان شخصاً در دادگاه استان
« و دیوان کشور دادخواست داده و دادرسی نمایند . مفاد این ماده نسبت
« به دادگاههای استان در حوزه هائی اجراء میشود که وزارت دادگستری
« آگهی نماید .

ماده مزبور ضمن « قانون مواد اضافی به آئین دادرسی مدنی » که در اسفند ماه ۱۳۴۴ از طرف مجلس سنا به مجلس شورا فرستاده شده تا کنون طرح نشده و مراحل قانون گزاری خود را طی نکرده است .

گرچه ماده مزبور فکر اصولی قاعده الزامی بودن وکالت در دعاوی مدنی را بطور کامل در خود جای نداده و صحیح آنست که وکالت دعاوی مدنی در دو مرحله پژوهش و فرجام الزامی و فقط مرحله بدوی در اختیار متداعین باشد معذالك چون اجرای آن اثرات خوبی در بهبود امور قضائی خواهد داشت لذا تقاضا داریم مجلس شورای ملی تصویب این قانون را که شیوخ قانون گزاری آن را به مصلحت مملکت تشخیص داده اند در عداد اولین لوایح قانونی قرار دهد .

✽ زمین برای ساختمان کتابخانه و باشگاه : کانون و کلاسها پیش زمینی

درجاده شمیران تحصیل کرده و دور آن دیوار کشیده بود که اخیراً معلوم گردید زمین مزبور درمسیر اتوبان قرار گرفته و پروانه ساختمانی برای ایجاد بنادر آن داده نمیشود. باین ترتیب آرزوهائی که برای ساختمان مستقل جهت باشگاه و کتابخانه وجود داشت نقش بر آب گردید.

از آنجائیکه تصرف زمین کانون بمنظور ایجاد اتوبان نمیتواند حق مسلم کانون را ازبین ببرد لذا امیدواریم دولت و شهرداری زمینی برای ایجاد کتابخانه و باشگاه به کانون تحویل دهند تا کانون هم بتواند درجهت توسعه فرهنگی و تنویر افکار قدمهای مؤثر بردارد.

اجرای قانون شورای دولتی: قانون شورای دولتی در تاریخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ به تصویب رسیده و دولت مأمور اجرای آن شده است که از آن تاریخ تا کنون با وجود آنکه از طرف دولت وعده اجرای آن داده شده تا حال در بوته تعویق مانده است.

تأسیس شورای دولتی آثار و نتایج عمده در بهبود امور و صحت و اتقان تصمیمات اداری دارد و مشکلات زیادی را در روابط و مناسبات افراد با دستگاههای اداری حل میکند و در اهمیت آن کافی است که فرمایشات شاهنشاه آریامهر را که پیش از تصویب قانون در ۳۸/۱/۳۰ خطاب به دولت ایراد فرموده اند در اینجا نقل کنیم:

« سعی کنید که قانون شورای دولتی زودتر از مراحل قانونگزاری بگذرد. مدتهاست که من عقیده پیدا کرده ام که وجود دستگاه بیطرفی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات مردم از دولت و مأمورین بسیار ضروری است. بررسی بیشتری بکنید که این قانون از هر جهت جامع و کامل و بدون نقص باشد. اصول آن را بطور روشن و صریح تعیین نمائید که قابل تأویل و تفسیر نباشد.

اگر مأمورین دولت و شهرداریها بدانند در صورتی که در نتیجه تسامح آنها در کار مردم یا تجاوز آنها از حدود صلاحیت و مقررات موضوعه یاد ر اثر تخلفات آنها خسارتی باشخاص وارد شود ملزم بجبران هستند دقت بیشتری در انجام وظایف خود بخرج خواهند داد . »

باین ترتیب و باتوجه به تأکید اوامری که شاهنشاه آریامهر در نطق افتتاحیه مجلسین در ۶/۷/۱۴۶ در مورد لزوم انقلاب اداری کشور فرمودند ضرورت تأسیس شورای دولتی بیشتر از پیش احساس میشود .

بیانات شاهنشاه در این مورد چنین است :

« اصل سوم از اصول تکمیلی سه گانه انقلاب اداری و آموزشی مملکت است ، بطوری که بتواند ازین جهت حوابگوی واقعی احتیاجات حال و آینده اجتماع نوین ما باشد . مفهوم این اصل این است که همه افرادی که در سازمان های اداری و دولتی مملکت وظیفه ای اعم از بزرگ و کوچک برعهده دارند ، با کمال دقت و وظیفه شناسی و با قبول مسؤلیت در انجام وظیفه خود بکوشند و روح اتلاف وقت و قرطاس بازی و بوروکراسی در ادارات ما از بین برود و هر کارمند اداری بداند که وظیفه او در درجه اول سرعت در انجام مراجعات مردم و اجرای صحیح و بیغرضانه وظایف اداری و تسهیل گردش کارهای کشور است ، زیرا همین مردمند که از راه دادن مالیات حقوق این کارمندان را تأمین میکنند . ادارات ما میباید از روح مماطله و دفع الوقت و بی تصمیمی و نیز از تشبث و توسل پاک و منزه شوند و روح خدمتگزاری و شور و علاقه ای که لازمه تحول اجتماعی امروز ایران است جایگزین آن گردد . »